# همیشه پای یک پراید در میان است

## آخر هفته پر حادثه مشهد، افزون بر ۲ کشته موجب مصدومیت ۲۰ تن شد



مهدی قرآنی

در آخر هفته‌ای که گذشت هفت حادثه و حریق در مشهد، چناران و قوچان رخ داد که دو نفر به دلیل شدت صدمات وارده جان خود را از دست دادند و بیست تن دیگر نیز زخمی و در بخش‌های مختلف چند بیمارستان بستری شدند.

**تصادف پراید با درخت**

از آنجا که در اغلب تصادفات شهری و برون شهری، پای یک دستگاه خودرو پراید در میان است، این بار نیز در آخر هفته گذشته این خودرو حاشیه و حادثه‌ساز در بزرگراه آیت‌ا... رفسنجانی (میثاق) مشهد به علتی نامعلوم با دو اصله درخت برخورد کرد.

تصادفی که خیلی زود مأموران نجاتگر و پیشگیری از وقوع حریق ایستگاه‌های ۷ و ۳۵ سازمان آتش‌نشانی مشهد را به همراه عوامل امدادی، انتظامی و پلیس راهنمایی و رانندگی به محل حادثه کشاند.

آنچه در بررسی‌های اولیه مشخص بود، یک دستگاه خودرو سواری پراید پس از انحراف از مسیر اصلی به فضای گل کاری شده وسط مسیر تغییر جهت داده و بعد از عبور از روی جدول با دو اصله درخت برخورد کرده بود.

ازآنجاکه اتاق غیر استاندارد این خودرو حاشیه‌ساز دچار خسارت شدید شده بود، راننده و دو سرنشینش در پی این سانحه رانندگی، در پراید مصدوم و محبوس شده بودند که بلافاصله تیم عملیاتی آتش‌نشانی مصدومان را رهاسازی کرد و این افراد به عوامل امدادی اورژانس ۱۱۵ تحویل داده شدند. کارشناسان پلیس راهنمایی و رانندگی نیز پس از رفع سد معبر و انتقال خودرو حادثه دیده به پارکینگ به بررسی صحنه تصادف پرداختند. احتمالا سرعت بالای این سواری و عدم کنترل آن موجب وقوع این حادثه خونین شده باشد.

اگرچه اطلاعی از وضعیت مصدومان این حادثه در دست نیست اما برخی شنیده‌ها حکایت از فوت یکی از مصدومان در بیمارستان دارد.

**کارخانه سوزی در نزدیکی مشهد**

دومین حادثه اما ساعتی بعد از تصادف پراید با دو اصله درخت در بزرگراه میثاق اتفاق افتاد. این بار یک کارخانه تولید گوگرد واقع در جاده مشهد-فریمان به علتی نامعلوم طعمه حریق شده بود. حساسیت بالای این حادثه بلافاصله ده‌ها نیروی اطفای حریق را از ایستگاه‌های ۳۹، ۵۲ و ۹ آتش‌نشانی به ۲۲ کیلومتری مشهد کشاند.

بنا بر گفته آتشپاد سوم علی محمد کاظمی، مدیر منطقه ششم عملیات آتش‌نشانی مشهد، با توجه به بعد مسافت و خارج از شهر بودن کارخانه حادثه دیده، بخشی از گوگردهای موجود در انبار این مجموعه تولیدی طعمه حریق شده بودند و گازهای سمی حاصل از آن در محیط متصاعد شده بود و هر لحظه امکان مسمومیت اهالی و افراد عبوری در حوالی محل حادثه وجود داشت.

کاظمی افزود: آتش‌نشانان به محض حضور در محل ضمن مهار پیشروی و گسترش زبانه‌های آتش، به نبرد با حریق پرداختند و بعد از چند ساعت عملیات نفس‌گیر با کمترین خسارت ممکن آتش‌سوزی را به طور کامل فرونشاندند.

به گفته مدیر منطقه ششم عملیات آتش‌نشانی مشهد، این آتش‌سوزی خسارت جانی نداشت و علت آن از سوی کارشناسان مربوط در دست بررسی است.

**تصادف پراید با تریلی**

و اما در سومین حادثه نیز باز هم یک دستگاه پراید نقش داشت. پرایدی که این بار زیر چرخ‌های یک دستگاه تریلی له شده بود. با اعلام این حادثه به سامانه ۱۲۵، بلافاصله تیم‌های نجاتگر آتش‌نشانی مشهد از ایستگاه‌های ۳۶ و ۵۰ به همراه مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی، عوامل اورژانس و انتظامی خود را به جاده سنتو، بعد از پل باغچه به سمت چناران رساندند.

با حضور مأموران در محل مشاهده شد که یک دستگاه خودرو سواری پراید و پژو به علتی نامعلوم با یک دستگاه خودرو تریلی برخورد کرده‌اند. در پی وقوع این سانحه رانندگی دو تن از سرنشینان سواری پراید و پژو جان خود را از دست دادند و پنج نفر دیگر نیز مجروح شدند.

به گفته آتشپاد سوم مجید فرهادی، سرپرست سازمان آتش‌نشانی مشهد، قربانیان این حادثه متأسفانه به دلیل شدت صدمات وارده در محل جان خود را از دست دادند.

مصدومان این حادثه نیز پس از رهاسازی تحویل تکنیسین‌های اورژانس ۱۱۵ حاضر در محل حادثه شدند و سپس به بیمارستان طالقانی مشهد انتقال یافتند.

**مهار آتش یک خانه**

چهارمین حادثه نیز در یک آپارتمان مسکونی رخ داد. بنا بر اظهارات فرد تماس‌گیرنده، این حادثه در یکی از طبقات ساختمان مسکونی واقع در بولوار لادن مشهد رخ داده بود که مأموران ایستگاه‌های ۲۳ و ۲۵ آتش‌نشانی به محض دریافت این خبر بلافاصله خود را به محل رساندند.

با حضور مأموران در محل حادثه و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد، کانون حریق طبقه چهارم آپارتمانی مسکونی است که مأموران ضمن نجات یک نفر از ساکنان این مجموعه مسکونی که در میان دود و آتش گرفتار شده بود، این آتش‌سوزی را مهار کردند.

طبق بررسی‌های تکمیلی کارشناسان آتش‌نشانی، حریق ابتدا در آشپزخانه کانون حادثه آغاز شده و سپس به سایر قسمت‌های این منزل مسکونی سرایت کرده بود. این حادثه خسارت جانی نداشته و فرد نجات یافته در صحت کامل است.

**زیرزمین در آتش**

پنجمین حادثه در خیابان میعاد واقع در بولوار شریعتی مشهد رخ داد. با حضور آتش‌نشانان در محل حادثه مشخص شد که حریق در قسمت زیرزمین یک منزل ویلایی رخ داده است. آتش‌نشانان با استفاده از تجهیزات اطفایی به نبرد با حریق پرداختند و ضمن ممانعت سرایت آن به طبقه بالایی و سایر منازل اطراف آتش را به طور کامل مهار کردند.

در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که مالک خانه مسکونی از این زیرزمین به عنوان انبار لوازم استفاده می‌کرده که به دلیل نامشخصی این مکان دچار آتش‌سوزی شده بود. این حادثه نیز خسارت جانی در پی نداشت.

**واژگونی پراید**

ششمین حادثه نیز از سوی یک خودرو سواری پراید ایجاد شد. سانحه‌رانندگی که در جاده قدیم چناران به مشهد رخ داد و در آن یک دستگاه خودرو سواری پراید به علتی نامعلوم از مسیر خارج و واژگون شده بود.

با حضور عوامل امدادی و انتظامی در محل مشخص شد که هشت نفر داخل این خودرو سواری بوده که همگی مصدوم شده بودند. با تلاش عوامل امدادی، مصدومان این سانحه رانندگی به بیمارستان ثامن الائمه چناران منتقل شدند و تحت درمان قرار گرفتند.

صحنه حادثه نیز پس از بازگشایی معبر برای علت دقیق واژگونی پراید در اختیار کارشناسان پلیس راه قرار گرفت.

**تصادف تیبا با خاور**

دیگر حادثه رانندگی نیز در جاده قوچان به چناران رخ داد. یک دستگاه خودرو سواری تیبا در محل دور برگردان شفیع با یک دستگاه کامیون برخورد کرد. به گفته محمد علیشاهی، مدیر روابط عمومی اورژانس مشهد، به محض اعلام این حادثه به سامانه فوریت‌های ۱۱۵، بلافاصله مأموران در محل حاضر شدند. در پی وقوع این حادثه چهار نفر از سرنشینان خودرو تیبا مصدوم شده بودند که همگی به بیمارستان موسی ابن جعفر(ع) شهرستان قوچان انتقال داده شدند. علت این حادثه نیز از سوی کارشناسان پلیس راه در دست بررسی است.

## زلزله ۶٫۵ ریشتری اندونزی را لرزاند

**اندونزی - ایسنا/** مقامات اندونزی از وقوع زمین لرزه‌ای به بزرگی ۶.۵ ریشتر در استان شرقی این کشور خبر دادند. سازمان هواشناسی، اقلیم شناسی و ژئوفیزیک اندونزی اعلام کرد که این زمین لرزه روز گذشته در استان ملوک رخ داده است. همچنین هیچ هشداری مبنی بر احتمال وقوع سونامی در پی این زلزله صادر نشده است. تاکنون گزارشی از تلفات یا خسارات احتمالی این زمین لرزه منتشر نشده است.

## توفان شن دوباره به آسمان بغداد بازگشت

**عراق- فارس/** توفان وشن بار دیگر آسمان چند استان عراق به ویژه بغداد را فراگرفت. رسانه‌های عراقی گزارش دادند که با ورود موج جدید توفان گردوغبار به این کشور آسمان بغداد به رنگ سرخ درآمده است. منابع عراقی می‌گویند که این موج در حال حرکت به سمت مناطق مرکزی و جنوبی این کشور به ویژه کربلای معلی است. پیش‌تر نیز توفان شن در استان‌های عراق موجب مشکلات تنفسی برای ۴ هزار عراقی شده بود و فرودگاه‌ها، مدارس و ادارات دولتی سراسر این کشور تعطیل شده بودند.

## درگیری مسلحانه مرگ‌بار در استانبول

**ترکیه- صداوسیما/** بر اثر درگیری مسلحانه بین دو گروه متخاصم در استانبول یک هنرپیشه تئاتر تبعه جمهوری آذربایجان به ضرب گلوله کشته و شش نفر دیگر نیز زخمی شدند. گفته می‌شود که خصومت نه ماهه بین دو گروه، دلیل این درگیری مسلحانه بوده است. این حادثه در بازار چادرجیلار منطقه بیازیت استانبول رخ داد. در این درگیری یک پلیس نیز به دلیل اصابت گلوله به ناحیه سر شرش زخمی شد. پلیس ترکیه ۲۷ نفر را در این باره دستگیر کرده است.

## درگیری مرگ‌بار اهالی ۲ روستا برای چیدن کاکوتی



**خبر فوری|** اهالی دو روستای شهرستان قوچان برای جمع‌آوری گیاه خودروی کاکوتی با یکدیگر وارد نزاعی دسته جمعی شدند که یک نفر به ضرب گلوله کشته شد.

با گزارش درگیری خونین اهالی دو روستای قوچان در ارتفاعات چویلی در محور شهرستان درگز، امدادگران هلال احمر برای رسیدگی به حادثه دیدگان راهی محل شدند.

رئیس جمعیت هلال احمر قوچان درباره امدادرسانی در این حادثه گفت: در تماس مرکز کنترل هماهنگی هلال احمر مبنی بر مصدومیت دو نفر در ارتفاعات چویلی در محور درگز یک تیم امداد و نجات از درگز و یک تیم کوهستان از قوچان به محل حادثه اعزام شدند. مسعود برازنده ادامه داد: با حضور امدادگران در این ارتفاعات مشخص شد که اهالی دو روستا برای جمع‌آوری گیاه کاکوتی با یکدیگر درگیر شده‌اند که یک نفر با چاقو زخمی شد و فردی دیگر به ضرب گلوله اسلحه به قتل رسید.

به گفته این مسئول هلال احمر فردی که با چاقو زخمی شده بود پس از انتقال به پایین کوه از سوی اورژانس امام قلی به بیمارستان منتقل شد و یک کودک که در محل حادثه بود دچار شوک شده بود با حمایت روانی امدادگران به پایین منتقل شد. برازنده ادامه داد: فرد دیگری که بر اثر اصابت گلوله فوت کرده بود پس از رسیدن بازپرس و انجام اقدامات قانونی از سوی تیم کوهستان از کوه به پایین انتقال داده و تحویل نیروی انتظامی شد.

## وزیر کشور: در متروپل یک جنایت رخ داد



**گروه حوادث|** آوار برداری از ساختمان متروپل آبادان همچنان ادامه دارد و در روزهای گذشته بخش دیگری از این سازه تخریب شد. تاکنون تعداد فوتی‌ها در این حادثه تلخ به ۲۴ نفر رسیده است.

هم‌زمان احمد وحیدی، وزیر کشور نیز این حادثه را یک جنایت خواند و از دستگاه قضا خواست تا با مسببان و کسانی که غفلت کرده‌اند با اشد مجازات برخورد شود.

دیروز تعداد کشته‌ها در حادثه متروپل افزایش یافت. هنوز هم مشخص نیست دقیقا امدادگران چند نفر دیگر را باید از زیر آوار بیرون بیاورند. امدادرسانان در حالی با عملیاتی سخت و پیچیده روبه‌رو هستند که احتمال ریزش بخش‌های دیگر این ساختمان نیز وجود دارد، دکتر پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر با اشاره به اینکه با مأموریتی سخت و پیچیده روبه‌رو هستند، به مردم اطمینان داد که عملیات جست‌وجو و نجات به صورت کامل انجام می‌شود.

موضوع وجود پلاسکوها و متروپل‌های دیگر در کشور، موضوعی بود که کاظم غریب‌آبادی، دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره کرد و با تأکید بر شناسایی تمام مقصران و مجازات آن‌ها بیان کرد: به طور قطع ساختمان‌های دیگری نیز در سراسر کشور وجود دارند که از ضوابط و استانداردهای لازم برخوردار نیستند، که باید هرچه سریع‌تر به شناسایی و ایمن‌سازی آن‌ها اقدام شود.

روی خط حادثه

## سهمیه آردها کنار گاوها

**ایرنا|** رئیس اداره نظارت و بازرسی جهاد کشاورزی شهرستان مشهد از کشف بیش از ۴ هزار کیلوگرم آرد یارانه‌ای در یک گاوداری خبر داد. سید علی اکبر نصری در این باره گفت: در پی رصد و پایش مشترک بازرسان جهاد کشاورزی شهرستان مشهد و نیروهای اداره اطلاعات سپاه و حوزه بسیج تپه سلام یک محموله آرد یارانه‌ای احتکار شده در یکی از گاوداری‌های این منطقه شناسایی شد. وی ادامه داد: در این عملیات ۱۰۶ کیسه آرد یارانه‌ای معادل ۴ هزار و ۲۴۰ کیلوگرم کشف و توقیف شد که برای متخلف، پرونده تشکیل و مستندات برای پیگیری تحویل مقامات قضایی شد.

## دوئل مرگ‌بار ۲ موتورسیکلت

**صداوسیما|** دو دستگاه موتورسیکلت در حد فاصل روستای کاهو و قره قوینلو شهرستان درگز به یکدیگر برخورد کردند که در این حادثه دو راکب در دم جان باختند. به گفته شاهدان و نیروهای آتش‌نشانی شدت برخورد به قدری بالا بود که باعث آتش‌سوزی موتورسیکلت‌ها شد و راکبان هم دچار سوختگی شدند که قبل از رسیدن نیروهای اورژانس جان خود را از دست دادند.

## سیلاب در خوشاب

**تسنیم|** ابر اثر بارش باران در خراسان رضوی، شهرستان خوشاب و روستاهای آن دستخوش سیلاب شدند. شدت سیل بیشتر در مناطق روستایی این شهرستان بود. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که خوشبختانه این سیل خسارتی بر جای نگذاشته است. بارندگی‌های شبانه در خراسان رضوی موجب خوشحالی دامداران و کشاورزان شده است. در این بارش‌ها، بیشترین میزان بارندگی در قوچان با ۱۰ میلی‌متر، درگز با ۴٫۶ میلی‌متر و مشهد مقدس با سه میلی‌متر رخ داده است که تنها در شهرستان خوشاب منجر به وقوع سیل شده است.

---

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

## شرایط درخواست ابطال سند

**فرزانه عمادی|** درخواست ابطال سند غیرمالی، چه به صورت غیرمالی رسمی تنظیمی در دفاتر اسناد رسمی یا اسناد عادی را در هر زمان و به هر دلیل قانونی می‌توان از دادگاه خواستار شد. چنانچه سندی به طور صوری تنظیم شده و یا معامله‌ای که ثبت شده بدون یکی از شرایط اساسی بوده یا یکی از متعاملان شرایط معامله را نداشته باشند و یا ادعای تردید و انکار در مورد سند عادی و جعل در مورد سند رسمی در دادگاه ثابت شود. آن سند قابلیت ابطال را دارد.

- سند مالکیتی که اداره ثبت صادر می‌کند را جز در موارد محدود و به راحتی نمی‌توان ابطال کرد و باید دلایل قوی و مدارک مثبت برای ابطال سند به دادگاه ارائه شود.
- در عقود غیرمالی مانند هبه و صلح در صورت احراز شرایط لازم، جهت ابطال سند، می‌توان تقاضای ابطال آن سند را از دادگاه درخواست کرد.
- درخواست‌کننده ابطال سند می‌تواند شهادت شهود و مطلعان و تحقیقات محلی و همچنین درخواست استعلام و پرونده استنادی که در اختیار دارد و در صورت لزوم ارجاع به کارشناسی و معاینه محلی را از دادگاه تقاضا کند.

داستان جنایی

## از تاریکی و روشنایی (قسمت دوم)

**ایلیا موسایی|** گفتم «بدت میاد؟» به کلاه کشی مشکی که توی دستم به سمتش دراز شده بود نگاه کرد. گفت «نچ» و رو گرداند و به حالت لی لی تا انتهای آن کوچه کوچک رفت. گفتم «یخ می‌کنی، اگه بدت نمیاد بذار سرت. کچلت الان سردترین نقطه زمینه» خندید. فقط خندید و حتی نگاهم نکرد. گفت «غذا چی دوشت داری؟» گفتم «هممم من قیمه دوست دارم. توش دارچین یا زعفرون هم باشه» گفت «دارچین چیه؟» گفتم «ادویه ست. یه مزه خاصی داره. باید بخوری که بدونی چجوریه و چیه» گفت «من ماکارونی دوشت دارم» گفتم «اووو الان که دیگه با این قیمتا ماکارونی هم نمی‌شه خورد... بگیر سرت کن دیگه» سرمای روز روی پوست سرم می‌نشست و حس می‌کردم از لایه ضخیم استخوان جمجمه‌ام سرازیر می‌شود توی مغز سرم. سوز که می‌آمد اشک توی چشم‌هایم جمع می‌شد و تصویر روبه‌رویم را با آن پسرک کچل تار می‌کرد. مدام وول می‌خورد و یک جا بند نمی‌شد. آخرش آن قدر لی لی کرد و اینور و آنور پرید که خسته شدم. گفتم «مامان و بابات کجا کار می‌کنن؟» گفت «مامانم تو مرغا کار می‌کنه؟» «یعنی چی؟» «وامیتته یه جایی مرغا تو دشتگاه رد می‌شن. بعد با چاقو اونا رو می‌بُره... بابامم کفش می‌فروشه» گفتم «پس اوضاعت ردیفه» گفت «یعنی چی؟» «یعنی همیشه تو خونه مرغ دارین و همیشه هم کفش خوب می‌پوشی دیگه» «نچ... توشون آب می‌ره» داشت به پاهایش نگاه می‌کرد که از آب بارانی که توی یک چاله کوچک جمع شده بود خیس و گلی بودند. گفتم «قضیه کوزه گر و کوزه شکسته ست» گفت «عجیب حرف می‌زنی» گفتم «درستو که درست بخونی متوجه این حرفا هم می‌شی» هنوز به کفش‌هایش زل زده بود و در جواب فقط کله کچلش را تکان تکان داد. رعد بزرگی توی دل آسمان ترکید و قطره‌های باران را دانه دانه روی پوست صورتم و سرم حس می‌کرد. مغزم نزدیک بود منجمد شود. چند دقیقه بعد ما دوتا کچل بودیم که کاپشن چرم مشکی رنگی را روی سرمان نگه داشته بودیم و انتهای کوچه باریکه‌ای پناه گرفته بودیم و می‌لرزیدیم و می‌لرزیدیم و می‌لرزیدیم. صدای باران یکریز و تند بود و قطع نمی‌شد ششششششش. داد زدم «ساندویچ می‌خوری؟» نگاهم کرد و همانجا بود که دیدم روی سفیدی یکی از چشم‌هایش لکه کوچک سیاهی افتاده. مثل جوهری که از خودکار روی سفیدی کاغذ نشت می‌کند. سر تکان داد که یعنی بله. گفتم «مرغ می‌خوری یا خوراک هندی؟» گفت «خوراک هندی» ولی توی ساندویچی وقتی الویه‌ها را توی دیس دیدبند کرد که از همین‌ها می‌خواهد. دوتا نوشابه مشکی خورد و هرچه سعی کرد آروغ بزند نتوانست تا اینکه وسط حرف زدنش یکهو یک درست و حسابی اش را در کرد. شاگرد ساندویچی از پشت یخچال سرک کشید و احمد کچل کله مرمری حس کرد مأموریت مردانه اش را درست انجام داده. موقع برگشتن به یک پیرزن کمک کردیم که کیسه برنج و پلاستیک گوجه فرنگی اش را تا دم خانه برساند. دوباره کلاه کشی را گرفتم سمتش. گفتم «یخ می‌کنی. اینو سرت کن» گفت «موهام نمی‌ریزه؟» گفتم «تو همین الانم عین تخم مرغ کچلی. نگران چی هستی؟» گفت «اینا درمیاد. زود بزرگ می‌شن» گفتم «نه! موهات نمی‌ریزه کله تخم مرغی» یک بار دیگر هم به کله صافش دست کشید. حتما می‌خواست قبل از هرچیزی دوباره آن زبری سنباده‌ای را حس کند. قبل از اینکه بزرگ سالی سراغش بیاید که تازه معنای خیلی چیزها را بفهمد. جز مواقعی که مردم موهای ریخته‌ام را می‌بینند و می‌فهمند چه خبر است، این جزو معدود دفعاتی بود که با من مثل یک طاعونی برخورد می‌شد. خودم را می‌دیدم که دو ساعت است از سر نگرانی به یک پسربچه کچل اصرار می‌کنم که کلاهم را بگیرد تا سرما نخورد اما قبول نمی‌کرد که نمی‌کرد. دوباره باران شروع شد و ما بدون هیچ هماهنگی و قول و قراری شروع کردیم به دویدن که خودمان را برسانیم به آن کوچه کذایی و دری که حاضر نبود با ما راه بیاید. توی همان حال دویدن بود که گوشی ام زنگ خورد. ناشناس بود و حدس زدم شاید مادرش باشد.

ادامه دارد